

فیض حاکم و دارا می جهان



بسم الله الرحمن الرحیم



در مطبع صدیقی واقع ریلی محلی لطبع شد

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد وافر و سیری را که انشای آفرینش حسن از علم قدرت است نظم لطیف مکرر گسترده کار سازد که در این خلق
است و دانایمی را ز چه توان در بلاغت سبحان رسیده نه در کتب چون سبحان رسیده نعمت تنکا تر خیر را که املای دانش و
بنفش نکته از خامه هدایت است نظم تنبی که نا کرده قرآن در کتب خانه خدایت لبست با نام سل پیشوا می سبیل این
خدا مبدی جبرئیل و صلوات علیه آله و صحابه جمعین محررین رساله که سستی بدستور الصبیان است خادم طلبا نوبه در
بخدمت منشیان عالی طبع التماس میدارد که برای افاده هر تعلیم مبتدیان بعد از این رساله سایر فارسی افعال فارسی توان
فارسی تبطیر این اوراق اتفاق افتاد امید که بر کمال مهران ناقص گمان نبوده عیب پوشی را بکار فرمایند نظم شنیدم که در روز
امید و بیم بدان راه نیکان نبخشید کریم تونیز از بدی بینی اندر سخن بیخلاق جهان آفرین کار کنی و محض نماید که انشا در
نفت پیدا کردن است که از معنی آن حصول مطلب باشد و مکتوب الیه یعنی بهر کسیکه نوشته شود زیاده از سه مراتب نیست بزر
یا خرد یا برابر لاجرم این رساله را سه فصل نموده فصل اول بجانب علی فصل دوم بطرف ادنی فصل سوم
بسمت مسا و چون توانین سلطین و امر و کتابهای قدیم بسیار است و فهم صبیان از ادراک آن قاصر اند اسوقون داشته
اختصار بر ضوابط ضروری و مطلوبی نموده و شد فصل اول بجانب علی مکتوب اول بجانب سعادت ماب پرستگار
روشنفکر سلامت آداب سلیمات مریدانه بجا آورد و معرین خادمان آستان هدایت نشان میسازد که باعث بهجری و
سبب رومی از کثرت کار است لیکن شوق حصول قدمبوس زیاده از حد بیان است انشاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری
سعادت قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت و ارشاد و ایمان بان درخشان باد مکتوب دوم ذات جامع الکمال است حضرت
رهنمای لکان طریق خدا دانی و انما بر سر معتقدان سایه گسترده مراتب زمین بوسی بجا آورد و معروض بندگان جناب
ملک ماب میدارد و بجز و افتخار نامه سعادت و این حاصل گردید هر چه در باب اشغال و تظیفه که از زبان الهام بیان

در اعطال جنبش

بیان تلقین یافته ارشاد شده بود حقائق آگاهان از برکت توجهات باطن قدسی آنحضرت هرگز از اشتغال او را در
 غافل نیست همیشه با حصول سعادت قدمبوس میدارند و بر سر سعادت صحائف است خورشید افادت و فاضلت
 درخشان باد مکتوب سوم در تمامی سالگان و پیشوای عارفان مستلا شراط آستانه بوسی تقدیم رسانیده با تکرار آن
 تمامی قدمبوس معروض میگردد و کجیفه هدایت مع توفیق بازو که از فضیلت مرید نوازی غنایت شده بود درود
 فرموده از آن سعادت دنیا و دین بحصول میبست این دو تعالی سایه بلند پایه آنحضرت همیشه بر سر مریدان مستطو گرداناد
 مکتوب چهارم مادی مراحل خدمت شناسی سلامت تسلیات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت
 هدایت است که فرموده خیریت ذات ملکی صفات نیافته خاطر عقیدت ماثرت مردوست امیدوار است که از چگونگی اوقات
 مبارک ارشاد فرمایند که جمعیت ظاهر باطن حاصل شود زیاد و بجز تمامی قدمبوس چه عرض نماید مکتوب پنجم قبله مریدان
 و کعبه محققان مستلا توابع بندگی و پرستندگی تقدیم رسانیده معروض میدارند از برکت توجهات باطنی آنحضرت مطالبه که در
 خاطر این مرید دست اعتقاد بود بحصول انجامید مبلغ یکصد و بست و پنجاه نذر خادان درگاه ارسال داشته امیدوار
 که بدرجه جاوید رسد ابواب ارشاد گشوده باد بالنون الصاد مکتوب ششم مجمع فضائل و منبع فوئیل سلا بعد از
 آداب عبودیت بعرض بهره اندوزان مستقدان جناب فضیلت مآب میرسانند از روزگاری که تشریف شریف بطرف دولتخانه
 ارزانی فرموده اند اتفاق مطالعه کتب عربی نمی افتد مگر کتابهای فارسی مطالعه میکنند امیدوار است که از قدم سعادت
 لزوم دیده انتظار متعلقان منور فرمایند که از درس علوم محروم نگردد و هنگامه فاضلت افادت گرم باد مکتوب هفتم
 فیض کشامی علوم دینی و دنیوی سلامت ادب نشات فدویانه بجا آورده معروض خدمت فیض درجت میگردد و اند
 بود و در سرفراز نامه سعادت فراوان جمعیت بکران حاصل نموده در قدم فیض لزوم بعد از تقضای شهر رمضان المبارک
 بقا هم فیض تمام کرده بود امیدوار توجهات است که بوجوب رفا هم تشریف ارزانی فرمایند سایه سعادت پایه آنحضرت و اما بر سر
 مستقدان محدود باد مکتوب هشتم سخن علوم سجانی محمد فیوض زیدانی سلامت قواعد کور نشات و شراط تسلیات
 تقدیم رسانیده بعرض جناب بهره اندوزان حضور کالات ظهور رسانید صحیفه سعادت بخش بر تو درود و افکند قواعد کونین و
 مقاصد و این حاصل گردانید در باب طلبین کترین تمیزان ارشاد شده بود انشاء الله تعالی بعد کجیفه سعادت قدمبوس
 حاصل سینیا آفتاب ایت دایما تابان درخشان باد مکتوب نهم کاشف علوم شریف و وقف فنون لطیف حضرت
 میانجی سلامت کترین شاگردان فدویت آگین سنها لدرین تسلیات فدویانه و کور نشات شاگردانه بجا آورده معروض
 دانسن اندوزان خدمت سرا پا برکت میگردد و درینو لا بود و نوازش نامه سرفراز شده خاطر عقیدت ماثرت مردوست
 امید از ذات ستوده صفات آندارو که با صدرا کرامت صحائف مشتمل بر فرموده خیریت ذات بارکات اسطی طاب
 بخشش داده بجز آرزوی قدمبوس چه عرض نماید مکتوب دهم مولو لیا حجاب کعبه مستقدان سلامت لوازم بندگی و
 سرفا کندی بجا آورده معروضی بیضا ضیاعی میگردد و اندوزان از روزیکه متوجه انصوبه اند با صدرا غنایت نامحبات یا

سید

نفرمودند موافق آن بجز خیرین دنیا بطا امری دیگر بسا و توقع از توجهات بزرگانه اندازد که از مرده صحت و سلامتی دولت
ملکی صفات اطلاع بخشند که جمیع ظاهر باطن محصول انجام وظیفه بر سر خادمان مسبوت با مکتوب با بر سر
قبله حاجات در جهانی و کعبه مراد با جادو اتی سلامت شرطا عبودیت و بندگی و ضوابط فدیت و سرفروزی
بجا آورده معروض خدمت مرا پارک میگردد و دیدار اینچنین و مستوجب گزیند چو نیست و صحت تندرستی ذات
ببرکات از حضرت آفریدگار استعدا دارد و سرفراز نامه سعادت آمورد و روز فرموده مالامال خرمی و خشنودان
جمیعت حاصل شد و آنکه برامی تا کید تحصیل علم در حق کترین فرزندان در تحت قلم نوازش رستم شده بود و سرفراز
سعادت و بهبود وجود دانسته بنا بر اشتغال نبرد خدمت مولو بصاحب قبله حاضر میباشند ظل عاقل آن منلی
و در جهان همیشه بر مفاخر فرزندان مسبوت با و مکتوب و از روم قبله کونین و کعبه دارین بد ظله العالی
مراتب کورنشات فدویانه بجا آورده معروض خادمان جناب سعادت آب قبله گاهی طی نعمی جو میسر بود و در نوازش
شرایف جمیعت تازه و دولت بی اندازه حاصل نمود در باب رسال خمیه فروش و غیره ششایی همراهی که ارشاد شده بود
حساب الامریک منزل خمیه و دو جفت شطرنجی بر چنگره بار کرده ارسال شده و دیگر ششایی مطلوبه هم مبارک خدمتگار
از عقب روانه میسازد دولت روزگار جادو اتی قرین روزگار عالی باد مکتوب سرفروزم قبله آمال و آمانی
خداوند نعمت و لیسعی صاحب سلمه الله تعالی بعد تقدیم شریط تسلیم و آرزوی سعادت قد مبوس که عمده مقاصد کونین
ست معروضی عالی میگردد حالات اینجا مالامال خیرست و مرده سلامت ذوات آن خداوند خادمان روز و شب
مستعدی است از خدمت عالی مرخص گشته در لشکر نظرا اثر بندگان نواب صاحب عمده الملک بهادر رسیده
ملازمت خان صاحب دارد و چه کپهری حاصل نمود خان صاحب توجهات قدیم مرعی فرموده امیدوار
روزگار نموده اند انشاء الله تعالی و قسبیکه نحمدت منسوب خواهد شد بجناب عالی اطلاع خواهد نمود زیاده
چه عرض نماید مکتوب چهاردهم قبله صور می و کعبه دینی و دنیوی حضرت قبله گاهی جو سلسله الله
تعالی آداب و تسلیات فرزندان و قواعد کورنشات فدویانه مودع ساخته بعرض عالی میرساند
نوازش نامه سعادت آمورد و در سرفراز می بیکران و جمیعت منراوان خشنید هبند و می
مبلغ یکبزار و پانصد روپیه که مصوب بوشمنند خدمتگار بر دکان گلاب راسه سا هو کار بلده
لکن غنایت شده بود مطابق ارشاد آن قبله گاه و در جهان زنده کوراز و دکان سا هو کار
به دست آورده رسید هبند و می بطور حواله سا هو کار نموده شد ذات بابرکات و اما بر سر فرزندان
سایه گستر با و مکتوب با نرود هم میان صاحب قبله خداوند خادمان و کعبه مراد
در جهان سلامت بعد از آداب فرزندی معسر ضعیف دار و احوال اینجا صحت و نیکو اینچنین است
و مرده صحت و خیریت ذات بابرکات و سیدم از درگاه الهی سلامت بیناید از روزیکه متوجه سبب لشکر فیزی اثر بندگان

خیریت

نو صاحب قبله دام اقباله شده اند با صد ارتسلی نامجات یاد نفرمودند خاطر فدویان مترو دست لندار اجوقا صدرار
 نموده امیدوارست که از فرود و خیریهای ذات والا صفات و تحقیق تو کرمی منصل ارشاد فرمایند که جمعیت خاطر بصورت
 عمر و دولت در تزیید باد مکتوبات نزد هم عموصاحب قبله خدا یگان سلامت آداب عبودیت و بندگی بجای آورده التماس
 میدار و عنایت نامه پر تو رو و افکنده جمعیت بی انتها بخشید در باب طلب خدمت و ارقام نموده بودند خواسته بود که بموجب امر
 شریف خود در آنم افورده اند خدمت عالی نماید لیکن بسبب بعضی کارهای ضروری توقف نمود انشاء الله تعالی بعد
 و دو سه روز از امور مرجعه فراغت نموده نعمت ملازمت حاصل مینماید سایه عاطفت آنمزی دو جهان مدام بر سر فرزند
 بیست و باد مکتوبات تقدیم عموصاحب ایگان نزد دو جهان مستاد و از مذهب دیت و سرفاکنده کی بجای آورده و عموصاحب
 بدست که بود و الطاف رفاقم جمعیت اندوز شده امید از اشتقاق مر بیانه آنست که بر خلاف ماضی از صد و عنایت مجات
 ممتاز میفرموده و با جمعیت هر دو باطن از آنست که تخته زنی برای آن خدا یگان ارسال نموده بنظر فیض اثر خواهد گذشت مقبول
 خاطر گرامی خواهد بود زیاده و بجز بندگی چه عرض نماید مکتوبات میجد هم خداوند فیض رسان امید گاه دو جهان سلامت بعد
 تقدیم شراطن بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت که خلاصه مقاصد است معروض خدمت فیض رحمت میگرداند مبلغ
 پانصد روپیه برای خرید یک اسب پرتگی بست سیو کرام خانسانان مرحت شده بود حسب التماس از دست اسپان را
 ملاحظه نموده یک اسب پرتگی جوان و روان قابل سواری آن خدا یگان قیمت مبلغ پانصد و پنجاه روپیه مقرر نموده
 پنجاه روپیه دیگر عنایت شود که اسب مذکور خریدار ارسال نماید عثمان سمنند مقصود در قبضه آرزوی خادمان باد
 مکتوبات نوزدهم عموصاحب قبله فیض رسان سلامت بعد تقدیم شرایط فدویت و لوازم تسلیم عبودیت معروض
 میگردد و اند احوال اینجمال مفردن محمد ایزد و آنجبال است و فرود و تندستی ذات والا صفات و ایما مطلوب
 نواز شناسه مع یک چهره و فوطه کجراتی در و فرمود نشا ط و جمعیت انتها بخشید او سبحانه تعالی آنمزی دو جهان را
 دیر گاه سلامت با کرامت دارا د زیاده چه عرض نماید مکتوبات مستقیم قبله آمال و آمانی سلامت فدوی منسار ام آداب
 کور نشات و بندگی بجای آورده و عموصیدار و عاطفت نامه مشتمل بر تلک شیشم گلاب کمال انتظار شرف در و فرمود معزز
 و ممتاز ساخت مطابق ایما شریف یک شیشم گلاب آتش ارسال نموده اگر دیگر مطلوب با ارقام خواهند فرمود که سعادت
 خود دانسته ارسال خواهد داشت زیاده چه التماس نماید مکتوبات بست و یکم اخوان صاحب قبله فیض رسان سلامت بعد تقدیم
 آداب بندگی معروض خدمت بهره اندوزان حضور میسازد عنایت نامه در و فرمود و هزاران خرمی جمعیت حاصل گردید اراده
 لشکر ظفر بیکر نواب فیروز جنگ رفاقم فرموده بودند حق تعالی عهده جاد و همه حال حافظه و نامر بوده به مطالب نخواه
 فائز گرداناد امید از الطاف مر بیانه آنست که مجور رسیدن لشکر خیریت اثر بدست ایندگان اینصوب نگارش
 خواهند فرمود که تسلی ظاهر و باطن از آنست زیاده دولت جادید روزی باد مکتوبات بست و دوم بهائی
 صاحب قبله خداوند خدا یگان سلامت مراتب فدویت و بندگی بجای آورده التماس میدارد که احوال اینخد و فرود

بخدمت و مقروضه و سلامت ذوات بابرکات علی الدوام از درگاه الهی استعدا دارد و سابق در مقدمه شاد و
برخوردار سعادت مند و آنچه بجان صاحب را ساکن قصبه علی گنجه خدمت گرامی التماس نمود بود اگر خود بدولت قبول
فرمایند رسوم نسبت بظهور آید قاصداً در محض برای اینکار فرستاده شد امید که زود جواب عرضی مرحمت فرمایند
جمعیت دایم در از دیاد مکتوب بستی و سوم داد صاحب ایگان مگر فیض سان سلامت شرائط عبودیت
و بندگی بجا آورده معروض میدارد و صواب این نواحی مستوجب شکر الهی است و نوید سلامت ذوات آنخدا ایگان و زو شب
از حضرت صمدت مسالت میدارد و صحیفه اشفاق پر نور و دافند جمعیت و شرح و افزونشید مبلغ دو صد روپیه
جهت خرید پارچه عنایت شده بود بوجوب ارقام شریف پارچه خرید کرده فرستاده شد تعداد و تها بنها و تفصیل
از فرد علیحده روشن و هویدا خواهد شد زیاد چه عرض نماید مکتوب بستی و چهارم داد صاحب قبله دو جهان
سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی التماس میدارد و لطف نامه درود فرمود مغز و ممتاز ساخت در باب گذراندن عمر
بنجاب میر صاحب قبله و حصول جواب امر شده بود مطابق فرموده شریف عرضی گذرانید جواب حاصل نموده ارسال
داشتند همیشه امیدوار ارشاد خدات مست عمر و دولت در ترزاید باد مکتوب بستی و پنجم بهای صاحب خدا ایگان
بست پناه برادران سلامت مراتب بندگی و غلامی تقدیم رسانیده معروض میدارد درین روزها با مکرار عبادت یا نغمه
خاطر فدیت سر و دست امید از توجهات مرسیانه آندار که از رویداد خیریت نهادار شاد فرمایند که تسلی ظاهر
باطن محصول بوند و وزیر که سابق برای خرج خانه عنایت شده بود بخرج در آمد میدار است که چیزی خرج دیگر
مرحت شود زیاد چه التماس نماید مکتوب بستی و ششم خالو صاحب قبله خدا ایگان فیض بخش فیض سان سلامت
بعد تقدیم بندگی که وظیفه مستمند است معروض برای خوششید ضیای میگرداند عاطفت نامه شفقت آمو و غرض
فرمود جمعیت فراوان نشاطی پایان حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که از راه توجهات مرسیانه عنایت شده رسید
آنرا ان جمعیت و فارغ البالی نشدید حق تعالی آنمزی فیض سان را درگاه بر سر فدیان سلامت دار و زیاد
شکر توجهات چه عرض نماید مکتوب بستی و هفتم موصاحب قبله خدا ایگان کیه گاه بکیسان سلامت شرائط
عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد و است که بور و عنایت نامحبات ممتاز نگردیده از توجهات
مرسیانه نسے بعید نمود امید از عاطفت بیکران است که برخلاف ایام گذشته باصدار عنایت نامحبات یاد و شاد
میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن ازان است دولت و اقبال در ترزاید باد مکتوب بستی و هشتم
ناموصاحب قبله آمال و آمانی سلامت بعد تقدیم مراتب عبودیت بعرض خدمت فیض رحمت میرساند نواز شتاب
مشتمل بر طلب فدوی شرف اصدار یافت مغز و ممتاز فرمود خوشتر بود که بوجوب امر شریف خود را بهره اندوز
خدمت گرامی سازد لیکن بسبب بارش باران و کثرت آب خطاب راه توقف نموده و قتیکه بارش فرصت میدهد
در اذخشاگ می شود و در سعادت ملازمت فائز خواهد شد ذوات بابرکات دایم بر سر فدیان سایه گستر باد ۵۵

مکتوب بست و تخم مامو ناصح بیه خدایگان فیض ششای مستمندان سلامت لوازم فدویت و بندگی که موجب
سعادت ابدیت بقدر سزایند التماس سبب رسیده و سابق امر شده بود که در ماه بیساکه قاصد مع خرج خواهد رسید
چون وعده تنقضی شده ناچار بعد انتظار بسیار قاصد را شکر و پویه اجوره مقرر نموده روانه ساخت امیدوار است
که بدست قاصد هر چه در خاطر مبارک بیاید برای خرج عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید مکتوب **ک** اعم
مامو ناصح فیض سان بیکسان سلامت آداب عبودیت بجا آورده التماس مینماید که فدوی از چهار ماه محفل در خان
نشسته است اگر در سر کار دولت در انوار نادار گنجایش روزگار باشد بکلیت پیروان بهر خاص حاصل نموده عنایت سازد
که ساز و سرانجام طیار کرده خود را بشکر ظرف بگرداند زیاده چه التماس نماید مکتوب **ک** و کیم غریب پرور سلامت
از جناب عالی رخصت یافته در پرگنه رحیم نگر رسیده حوال پرگنه دریافت نمود بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه پریشان فرزند
بودند هر همه راتلی و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام تردد او در اکثر دیهات زرگان و ان غله نیست که در کشکای
نمایند لهذا امیدوار فضل و کرم است که مبلغ پانصد روپیه از سر کار عنایت شود که تقاومی داده تردد و کنایه جمع کسری مع
تقاومی باقی حصول نماید واجب بود بعرض رسانید مکتوب **ک** و دوم غریب پرور سلامت پروانه کرامت نشانه در باب
ارسال خزانه در دو فرموده سر فزای سعادت بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنج هزار روپیه موجود بود و همراه میر سلاطین و غیره
سواران برادری میر فیض الله ارسال نموده غلب که داخل خزانه سر کار خواهد شد امیدوار فضل و کرم است که مقصد یا
امر شود که داخله زرنای مرسوله حواله سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله تعالی از محقق خزانه
مستقل سرانجام نموده ارسال میارود واجب بود بعرض رسانید مکتوب **ک** و سوم غریب پرور سلامت رعایا
اکثر دیهات این پرگنه باقی سر کار بر ذمه خود گرفته در پرگنه دولت آباد علاقه مرزا نور بیگ سکونت گرفته اند هر چند
که فدوی دو سه مرتبه بخدمت مرزاند کور برای آسامیان مندرامی نوشته لیکن مرزاند کور متوجه نمی شوند و نظری
سر کار واحد نمیکند امیدوار فضل و کرم است که بکلیت پیروان بنام مشارالیه مصحوب چلیه سر کار صادر شود
که آسامیان را حواله کسان فدوی نمایند که بجای خود آباد شده در سرانجام زرنای و تردد آیند مشغول
باشند واجب بود بعرض رسانید مکتوب **س** و چهارم غریب پرور سلامت دستک پنج سوار کله پوش بنام
غلام در باب طلب زرنای سال گذشته تعیین شده غلام رو برو عرض کرده بود که این زور سه سال سرانجام
خواهد شد امیدوار فضل و کرم است که دستک سواران رسید شود باقبال عالی اینچه هسال سرانجام خواهد یافت
تصور نخواهد شد و تتمه در دو سال بیباق خواهد نمود غلام دولت خواه فرمانبردار سر کار است هرگز در شرایط فرمانبرداری
و مال گذاری تصدیق خواهد کرد واجب بود بعرض رسانید هر دو دولت در ترزاید مکتوب **س** و پنجم
غریب پرور سلامت بود و پروانه سعادت آموذ نماز می و سر فزای کونین حاصل گردیده
در باب طلب فدوی مع خزانه حکم صادر شده بود حسب الامر در تدبیر فزای زرنای مست انشاء الله تعالی

در عرض یک هفته زرج جمع نموده سعادت ملازمت حاصل بنماید امیدوار است که بمصداق حضور امر شود تا رسیدن
غلام از دستک و سزا اولی معاف وارند و اجب بود بعرض رسانید مکتوب **س** و ششم خان صاحب قبله
خداوند نعمت و جهان سلامت آداب عبودیت و فرمانبرداری بجا آورده بعرض خوانمان جناب کفعمای میرسلطان
سعادت آمو و رسید باعث سر فرزند بنده نوازی گردید در باب ارسال خزانه و تقیید تحصیل زرا شده بود بنده نوازی
تحصیل شده بود و در موع خرم بیگ غیره سواران حضور می ارسال شده است یقین است که داخل فوطه خانه سرکار شده باشد
و از تا کید تحصیل یک خط غافل نیست و باقبال عالی ز سر کار بروقت تحصیل نموده متواتر ارسال حضور میدارد و جب
بود بعرض رسانید مکتوب **س** و هفتم خان صاحب قبله بنمایان سلامت درین ایام فرخنده من حجام
گوش دعا گوینان ستمام رسیده که خدمت بچکله داری برگزینان علی بگزینام نامی از حضور فیض کنور بندگان نوبت سلطان
مقرر گشته خدا میداند که از استماع این خبر فرحت از چندان اشراخ خاطر و جمیع ظاهری و باطن بصحوای پوست که بیان آن
دستان در از است او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده ساخته دولت روز بروز افزون گرداناد امیدوار تو جهالت که
قدیر لکنی از دو تو امان قدیم تصور نموده همیشه با صد سر فرزند از حاجات مع جزو کل ضروریات میفرموده باشند دولت و
اقبال در ترزاید با مکتوب **س** و هشتم خان صاحب ایگان فیض سان سلامت لوازم بندگی بجا آورده التماس کرد بود و الطاف
صحیفه خلی جمعیت و انبساط حاصل نموده در باب گذرانیدن عرضی دستخط شد موافق است که تا نسیا باشد بود و مطابق از قاهره
بشکام غلوت عرضی بنظر مبارک بندگان خان صاحب قبله مطلقه گذرانید بحسب آرزوی آن فیض سان فرین دستخط کنان نیز ملفوف عرضیه رساله
شد امیدوار تو جهالت که مخلصانک از ملازمان دولت خواه خود تصور فرموده بارشاد خدمات لائقه عرض میفرموده باشد که بسر انجام آن سعادت
و این پندار و عمر و دولت و ترزاید با مکتوب **س** و نهم مرزا صاحب ایگان بی فیض سان سلامت سر فرزندانه شرفین بر طلب
زور و وفرو اعزاز و امتیاز بخشید بنده نوازی که بیخبر از رویه و پررگند از جمع سال تمام باقیست و شکام تر و آئینه و پیش آمده
اگر در وقت زرا ز رعایا طلب کند نعل تر و آئینه میشود صلاح دولت نیست که ده پانزده روز را مصلحت شود انشا الله تعالی
در نیزه از تر و خاطر جمع کرده باقی زیر کار تا آخرین ماه وصول نموده فرسول خواهد شد و اجب بود بعرض رسانید مکتوب **س**
چهارم مرزا صاحب قبله خداوند فیض سان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده بعرض سعادت اندوزان جناب
فیض صاحب کبرساند و در نوازشنامه فیض آمو باعث سر فرزای گردید و باعث فرستادن نهالهای نازکی و شفا لو
امر شده بود بنده نوازی باغبان سر کار احکم شود که در باغچه فدوی رسیده هر قدر نهالهای مطلوبه خواهد کند ید بر و
امیدوار تو جهالت که همیشه بارشاد خدمات ممتاز میشده باشد الهی شجره دولت بهتره مراد بار و با مکتوب **س**
پنجم مرزا صاحب قبله و کعبه مراد و جهان سلامت آداب و تسلیمات خادمانه بجا آورده مفروض خدمت
سراپا برنگه میگردد اند ایام در از منقضی گشته که این عهد اخذت بیا و عالی نگذشت از تو جهات بزرگان امیدوار
با صد راستی نامحبات متواتر بر بند و کامیاب میشده در نیوا و تملک جیث لکیر آبادی شخصی برامی بنده

دستاورد بودنده قابل سرکار دانسته ابلغ خدمت نموده امیدوار است که درجه پزیرائی یابد زیاده حد او با
مکتوب چهل و دوم میر صاحب قبله خداگان سلامت و ااتب جنگی تقدیم رسانیده معروض خدمت فیض در حجت
 میگردد و اندر بور و عنایت نامحاجت حصول جمعیت امتیازی تازه گردیده در باب طلب آموزشین در موضع لجهی بود که حاضر صفا
 سکمد اس زمیندار پزگنه دولت نگر نوشته ام شده بود خداگان بن را آموزشین را مسطور ظاهر نماید که سکمد اس در راه اساره در
 کجری حاضر کرده از ضامنی بری الذمه شدم لیکن متصدیان بعبت طبع مستک از دفتر جدا نکردند و درین باب هر چه امر شود عمل
 آرد و واجب بود معروض رسانید **مکتوب چهل و سوم** میر صاحب خداگان فیما بین سلامت شر الطیندگی خود نگه دار
 بجای آورده متمسک از محنت صحیفه بر تو رو و افکنده بهره مند و سعادت اندوز گردید و در باب چاژری بهیا کلاب بمنش
 بقلم آمده بود بوجوب ارقام شریف نامقدون خود در خدمت معروض مشارالیه تصویر خواهی شد همیشه امیدار ارشاد خدمت است واجب بود
 رسانید **مکتوب چهل و چهارم** میر صاحب ایگان فریادرس و اخوان سلامت قواعد عبودیت بندگی بجای آورده التماس
 میدارد رعایای موضع فرید نگر علاقه قدوسی و ادخواه هستند که عامل پزگنه دولت آبا بوجوب آزار بحال آنها میرساند از
 ذات باریکات که دادگستر و رعیت پرور است امیدوار است که لقطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث آزار و اضرار
 رعایای موضع مذکور نشود خوشید اقبال و اجمل الله امان تا بان با **مکتوب چهل و پنجم** شیخ صاحب قبله نهادند خداگان سلامت
 سر فراز نامه متضمن بر طلب کماران جهت پالکی سرکار و در و فرمود سر فرازی بخشید خشک الامده نفر کماران بدریاس
 پزگنه و پیه فی نفر مقر رنوه روانه ساخته همیشه امیدار اصدراعنایت صحائف میباشد دولت و اجلال انما مزید با **مکتوب**
چهل و ششم شیخ صاحب فیض سان سلامت بعد گذارش لوازم بندگی و تمنای خدمت شریف التماس میدارد که زمینداران
 موضع رام نگر را مبلغ پانصد پیه از کلاب رای صاحب بوجوب رسوده آن فیض سان بوعده ماه کنوار بطریق تقاضی دانیده
 بودم چنانچه ماه آگن هم آخر شد زمینداران موضع مذکور زرمهاجن نرسانیده و صاحب مذکور از بنده تقاضای شنید
 میدارد لهذا تقدیم داده می آید که زمینداران تا یکد فرید فرمایند که زرمهاجن معهود او اسازند آینه راسلوک او و
 سته جاری باشد زیاده جمعیت و کامرانی با **مکتوب چهل و هفتم** شیخ صاحب سراپا لطف و احسان سلامت بعد
 اظهار شر الط عبودیت و آرزوی حصول نعمت ملازمت معروض میدارد و الطاف نامه عاطف آمو و سر فرازی جمعیت
 و خرجی حاصل گوید از راه توجهات و مقدمات خیر خواه بوجوب التماس و کیل در بار بقلم شفاق رقم آمده بود و بموجب
 عاطف سامی گردیده بنده بدر بار آن ذات ستوده صفات را برمی خود میداند توقع بسره انجام کارهای در بار از
 دستگیری شریف میدارد و سبحانه تعالی بن خوبی و بزرگی تا در کیش سلامت با کرامت و شسته بر ااتب لائقه و خواه رساند
 خیر خواه را از خود تصور فرموده با صدار عنایت نامحاجت سعادت لائقه ممتاز میگردیده هستند دولت و اقبال سبزه ان باد
مکتوب چهل و هشتم شیخ صاحب خداگان بنه الحود و الاحسان سلامت قواعد جنگ و مر اسم عبودیت متمسک بجای آورده معروض خدمت
 سراپا برکت میگردد از نوشته اخای فیض اللهد و فیت شده که بنگران ارباب صاحب قبله دوام اقبال و صد سوار دیگر در رساله شریف آنها

۲۰

فرموده اند انصاحب در تلاش سواران هستند با سماع آن ضعیف جمعیت حاصل گردید چون بر خور قدرت الله در
خانه معطل نشسته است لهذا التماس بنمایید که هر قدر سواران را راضی شود همراه بر خور دارند که روانه خدمت گرامی نماید که
شرایط بندی بجای آورده سعادت و این حاصل سازد و با جمعیت و قبایل ایما در ترقی باد مکتوب **چهارم** منقسم شصت صاحب بان
فیض سان یکسان است بعد از آنکه هم وظائف نیازمند می شود ضمیر فیض تصویر میگردد و از سابق بر تامل در بار فرموده بودند که اگر مخلص کدام
دیار علاقه شریف بطریق نموده است تا نماید درین نخواهد بود درینخواه که هر چه شغل در پیش نیست میخواهد که موضع کریم پور را ترک کند
ز سر کار سرانجام نماید و قدری زمین برای چه قوت متعلقان علاقه از جمع سرکار کشکاری نماید امیدوار است که می شفقت است که
په موضع مذکور هیچ سال گذشته عنایت شود که بموجب آن قبولیت نوشته حواله وکیل نماید و در قبولیت بلا عذر اداسا در زیاده چه
التماس نماید مکتوب **پنجم** دیوانصاحب قبله خدا یگان من فیض سان است لوازیم عبودیت تقدیر رسانیده معروض می مهربانانجا میگردد
مبلغ پنج هزار روپیه از تعلقه بنده معرفت فتح چند وکیل اصل فوطه خانه سرکار شده تصدیان کچری در دادن داخله لغافل بنمایند
امید از تو جهات بزرگانه اندازد که تصدیان تاکید شود که داخله زنده کور حواله وکیل نمایند و بنده را در خدمت سامی بندی قدیم
ست شالیته آنست که اگر کار دیگری در پیش آید بلا توقف از کچری بر آورده هنده اینک برای کار خود تلخی باشند و منتظر آمده
بخلاف گذشته متوقع مطالب نخواهد است دولت و کامرانی جاودانی باد مکتوب **ششام** و یکم دیوانصاحب مستگیر و از دکان
یکسان سلامت شرافت فدیت و نیازمند بجای آورده معروض خدمت سر ایازت میگردد که استماع یافته که بت عهد پیشکاری
پرگنه فیروز آباد و غیره از حضور عالی بنام می صاحبزاده بلند قبایل مقرر شد از تخیر نهایت تشریح ظاهر و باطن حصول پیوست
چون بنده از چهار ماه معطل است لهذا استانه دولت او دلجان خود دستمجا آورده که اگر خط بهر خاص در باره روزگار
سیو کر ام بنام صاحبزاده عنایت شود غایت بنده نواز است مراتب قبایل در تزیاد باد مکتوب **ششام** دوم دیوانصاحب
مشفق قدردان سلامت بعد از اظهار مرگم بندی و آرزوی خدمت شریف التماس میدارد غایت نامه مشتمل بر طلب است تها گنمی
جهت خیر شرف در و در فرموده موجب جمعیت وافر گردید و موافق فرموده می دلالت راطلب استم قدیمی در حواله نموده تاکید بودی که
که بزودی فرجام آرد و شریف استقامت میدارد انتشار الله تعالی از عقب تها نهایی گزی جمع کرده بگرا می خدمت ارسال
خواهد و بنده را از خود دستمجا بارشاد خدمات مغرز میفرموده با زیاده چه التماس یک مکتوب **ششام** سوم دیوانصاحب مشفق
فیض سان مستندان است لوازیم بندی تقدیر رسانیده مشهور ضمیر فیض تصویر میگردد و از سابق بر تامل در بار فرموده بودند که اگر مخلص کدام
بنام مرزا معظم بیگان بر علاقه بنده صادر شده بود چنانچه فدوی از تنخواه دار و عده کرده در تدر بر ادای از تقدیر است از تو
وکیل در بار معلوم شد که دیگر پروانه تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ در دست محمد علاقه بنده تیار میشود و چونکه هنوز تنخواه سابق
سابق نشده منگام تحصیل نیست امید از دستگیری مریانه اندازم که تنخواه شیخ مستطوب کجایی گیرم قدر فرمایند که از لغا ضا
مردان سپاه عهده برانی نمیتواند شد مکتوب **ششام** چهارم دیوانصاحب قبله فیض سان سلامت مراتب عبودیت و بند
بجای آورده معروض خدمت فیض شرفت میگردد و از تعلقه را چه پور را شخصی جمع سال گذشته اجاره میخواهد و مبلغ پانصد روپیه

مع بودی
سعی است بسیار
بیت
ع

بدکان گلاب رسا سوکار متوطن بلده نخبه فرستاده لازم که زنده کور از ساهو کار گرفته رسید نوشته بفرستند که خط
جمع شود و در تحصیل علم نیز سعی بلیغ نمایند که سعادت دنیا و عقبی از آنست زیاده مکتوب شخصیت و یکم بر خور و از نور چشم است
اطوار کامکار طومر بعد اوجیه و افید و شوق دیدار زحمت آثار کشف و فحاش طر عزیز با خط مستر منط سوه خطو عظیم آما در سید
باعث هزاران نشاط و فری گردید حقیقت آمدن خود به همراه شایه صا که نوشته بودند باید که هر گاه شایه صا در آن مکان متعلقه
شوند آن بر خور و از نیز همراه روند که در عالم توکرمی اطاعت و رضامندی آقا ضرورت بقض الهی آن بر خور و از خود نا
هستند درین باب احتیاج مبالغه نیست زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب شخصیت دوم هم بر خور و از سعادت طومر است
افعال طومر بعد از دعوات و رازی حیات مطالعه نمایند درین روز ناخط آن بر خور و از رسیده خاطر متر و دست
بنابر آن فاصد مع مبلغ یکصد پنجاه و پیه تقد فرستاده لازم که رسید میغان مذکور بزرگارند و مبلغ بجز پیه پنجاه درم سو که تحت
پناه فضیلت و تنگه شیخ عبداله اخوند را خواهد داد و در نوشتن و خواندن نوعی دلسوزی شبارومی بکار برند که زود
در فن الشایه و انی حاصل شود زیاده عمر یاد مکتوب شخصیت و سوم هم بر خور و از سعادت آثار شایسته کردار طومر
بعد و عامی فرید حیات و ترقی در جات مطالعه نمایند که احوال این نواحی بخیریت است و خیریت آن بر خور و از انا مطلوب است
چنینکه من در شک آید ام خط آن بر خور و از وصول گردید خاطر متر و دست لندا فاصد فرستاده لازم که از احوال خیریت شمال خود
اطلاعه دهند که خاطر اطمانیت بهر رسد و در خواندن نوشتن سعی موفور بکار برند که سعادت کونین و تحصیل علم است هر که غافل اند
جابل مانند زیاده و الدعا مکتوب شخصیت چهارم هم بر خور و از نور الابصار راحت القلوب عبدالکریم پیوسته از عر و زندگان
مالا مال کامرانی باشند بعد اوجیه و شوق دیدار راحت آثار کشف و فحاش طر با خط مستر منط رسید باعث نشاط خاطر گردید
از کلیات خرج که نوشته بودند هنوز زوجه طلب از سر کار رسید و فتنیکه طلب از سر کار می بر آید خرج معقول خواهیم فرستاد
احمال مبلغ یکصد و پیه از خزانهی سرکار بطریق فرض گرفته فرستاد شد که بکار ضروری خرج خواهند نمود و در تحصیل علم
غافل نباشند که اعتبار عزت مردم از هنرست زیاده و شوق دو عالم مکتوب شخصیت و پنجم هم بر خور و از کامکار اقبالند همواره
از عمر و دولت کامرانی کامیاب باشند بعد و عامی فرید حیات و ترقید جات مطالعه نمایند خط مسرت منط و وصول نمود
باعث نشاط گردید از عنایات بندگان نواب صاحب قبله بحال آن بلند اقبال عظامی سلاله پانصد سوار و یک هزار پیاده جزا اند
که بقلم آورده بودند و سبحانه تعالی مبارک ساخته روز بروز ترقی مراتب گرداناد بنا بر طلب سواران که نوشته بودند انشا الله تعالی
بر قدر آن سینه سینه تا پیشین زیاده جمعیت و کامرانی با مکتوب شخصیت و ششم هم بر خور و از سعادت مندره العین غلام حسین طومر
بعد و عامی فرید حیات و شوق دیدار شش آثار ضح با جمال اینجا بقض خداست و شایسته است و سلامتی آن نور چشم رسید مطلق
دریست که از احوال آن کلا اطلاع آر و لندا آدم فرستاده لازم که کوائف خود مشرد و حاقلم آرند که خاطر جمع گردید که قبضه
کمان بر آن بر خور و از فرستاده خواهد رسید باید که استعمال تری اندازی نمایند که کمانداری هنر بزرگ است تیر آرزو بشند مراد مطاران
مکتوب شخصیت و هفتم برادر عزیز و از فریز سعادت آثار همواره در حفظ الهی ده کامیاب شاد کام باشند بعد دعوات فرید حیات

و شوق دیدار است آثار مشکوف خاطر غریب احوال بنما قرین خیر تهاست مسلماتی آن سعادت مند و مبدم از حضرت سبحانه تعالی مطلوب
 بهجت نخط وصول نمود مال مال نشاط و خرمی حیات بر او قبول کردن شادوی خود را سعادت لاله را بدیال که نوشته بودند که اصلاح مشفق
 مکرمه الله با حده رایحه پنهان فقه مرمضی مبارک حضرت نحمد و مبه همه خیر نامقدم زیاده الله عالمکتوب شخصیت و مستقیم برادر بجان
 حسیه الاله سکندریال اطال الله عمره بعد اعیه انیه شوق دیدن مطالعته نماید و یاد این نوحی مفرودن شکر الهی است و خیر تها
 آن عزیز از جان ایماست عا سیدار و اینجانب بقصیل الهی در سر کار خالصا حطام علیجان بدر ما به بنما شریه با مقصود نوکر شده و از
 تعلق بعد چند روز تخریم معقول فرستاده میشود باید که بنما جمع در تحصیل علم سی کار بر نذر تخریر تها نسبت دارند نسخه مبارکش برای مطالع
 آنبر او بصیت مبلغ دهر و پیه خرید فرستاده خواهد سید زیاده الله عالمکتوب شخصیت و نهم برادر بجان برابر بیکه از جان بهتر خوشتر لاله
 مرید بر و حفظ دار بوده از عمر دولت بهره در باشند بعد عوات فرید حیات و شوق دیدار حجت آثار و فخر بار و دایم بخیر و بخدمت
 شامل حال است مسلماتی آن ستودنی معان سماعی است قریب سبیل میگردد که انجی بولانی شاد برادر برای طلب نبر از فرستاده بود و هم هیچ احوال
 بدر یافت نیامد که بچه سبب بر آمدن توقف گردید نظار کشیده فاصد فرستاده لازم که آنچه حقیقت برادر کار مکار با اطلاع است که خاطر
 جمع شود زیاده بنجر شوق چه نویسد مکتوب مقتدا و هم برادر کار مکار شایسته کردار طومره بعد و عا فرید حیات بهجت آیات مشکوف
 با دخط است نظر رسید باعث نشاط خاطر گردید بر رسیدن اینجانب جهت تشخیص موضع بود نوشته بود نذر برادر من اتفاق این
 بنده چند روزی افتد باید که شما با اتفاق بجائی کنور سین جمع اینجا بوجبال فیصل کرده از زمینداران قبولیت بگیرند و از مهر خود
 پیه نوشته دهند که ساخت و پرداخت آن کار مکار منظور است زیاده بنجر شوق چه نوشته آید مکتوب مقتدا و و یکم برادر عسینیز
 پر تیز شایسته کردار خجسته طار همواره خوشوقت و کام باشند بعد و عا فرید عمر و شوق دیدار آثار مشکوف خاطر غریب احوال
 شد که آن سعادت مند دانش آموز نحمدت فضیلت کمالات دستگاه سوگو عسید الهه حیوشوم تحصیل غنی نموده اند
 خدا امید اند که بر شوق باطن آن کار مکار طبیعت را نهایت خرمی بهر رسید باید که سعی و کسوفی تمام بکار برده علم
 صرف و سخو کما یمنی یا بگیرند اگر علم منطق و معقولات تحصیل نمایند ادلی ترست والا اینقدر برای علم فارسی ضرور
 است عالم الغیب بطوم معاش و سعاد فایز گرداناد مکتوب تقاد و دوم عزیز القدر لاله سیوگرام خوشوقت
 باشند خط است افزای خاطر عا طر سید خوشی خرمی حاصل گردید اراده خود بتلاش روزگار طرف عظیم آباد
 نوشته بودند درین روز ناخست فوجداری پر گنات شاه آباد و غیره از بندگانی تعالی مقرر شدنی است اگر
 اینقدره راست می آید خانه شماست چراسفرد دور و راز اختیار خواهند کرد و یکماه دیگر در خانه بگذر اند انشاء الله تعالی
 همین جا نوکری میسر خواهد آید زیاده چه نویسد مکتوب مقتدا و سوم برادر عزیز القدر سعادت مند لاله چند محفوظ
 باشند بعد و عا شوق آنکه یکراس از ترکی در زیم خان سوواگر بصیت مبلغ پانصد روپیه فیصل شده است این
 را خواهم خرید لهذا نوشته میشود که آن عزیز القدر ز قیمت از دوکان امجد ساموکار گرفته بجا لکه سانیده اسپ را در آنجا
 بخرستد زیاده الله عالمکتوب مقتدا و چهارم عزیز القدر شیخ مسعود بنجیرت و بهبود با خطم سله رسید بر حقیقت

نوشته کردنی دلی
 مری

حضرت
 محوطه بنی
 حفاظت کی
 سن ۴

که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب مشتاد و سوم خانصاحب مهربان سلامت بعد سلام آرزوی
 ملاقات سامی مشهور امی عاقلت افزای میگردد مهربانی نامه درود نوشت طواف بخشد اراده شکر فیروز می اثر بتاریخ
 بهفتم شهر حال طلب مهارت حجت بار برود اگر نوشته بودند مهربان من در عرضت که میر فتح علی شتر انبار بران پسر
 خود برده اند والا شتر از آن صاحب دیگر چه مطلوب باشد بی تکلف اطلاع دهند که در اطلاع آن هرگز قصور نخواهد
 ایام جمعیت دخر می ستام باد مکتوب مشتاد و چهارم میر صاحب مهربان قدر دان سلامت بعد تقدیم سلام
 و آرزوی گرمی خدمت مشهور و میسر نمیر نموده می آید بوصول الطاف صحیفه شمول بهجت دخر می گردید بتاریخ شانزدهم
 ربیع الآخر شامی کتخامی میر فتحعلی و طلب سر انجام نوشته بودند صاحب من هر چه بجا خیر خواهد است از خود تصور
 فرستید هر گاه که دو سه روز بتاریخ برات باقیماند کسی آدم معتبر روانه خواهند نمود حواله آن کرده خواهد شد زیاده
 شادمانی و کامرانی باد مکتوب مشتاد و پنجم خانصاحب مهربان توجه فرمای مخلصان سلامت بعد سلام
 خیریت انجام و تنامی دریافت سامی دولت کشوفرامی عاقلت فرمای گردانید می آید مسال در باغ و دستار
 در خان ترنج بار نیار در ده اند درینو لایکصد ترنج برای دو مطلوب است اگر در باغ شریف باشند البته غایت فرست
 شجره مرا در بار باد مکتوب مشتاد و ششم لاله صاحب مهربان قدر دان سلامت بعد سلام و آرزوی ملاقات
 مشتاد است میر میر گردانید می آید است که از تحریر احوال خیر مال متشرف فارغ البالی باشند انقباض
 خاطر بد وجه کمال است امید از مهربانی های دیرین آندارد که اینقدر فراموشی از یاد خیر خوانان در عالم بیگانی روا
 نداشته آینه بر خلاف ماضی از ارقام احوال خیریت مال منبسط باید داشت شیخ پیر محمد باراده چاکری بهره اند
 خدمت سامی میشوند از اینجا که خدمت این طائفه عالیه موجب سعادت و این است اگر در سر کار خانصاحب گنجایش
 روزگار باشد درین توجه نباید داشت زیاده چه بر طراز مکتوب مشتاد و هفتم لاله صاحب مهربان مشفق مخلصان
 سلامت بعد گدازن سلام و آرزوی دریافت مواصلت سامی کشوفضیر مهربانی تصویر نموده می آید بزبانی آید گان
 دریافت شد که خدمت و قانع نگاری برکنه رحیم کرد غیره از حضور فیض گنجور نندگان تو البصاحب قبله بنام خانصاحب
 علی رضا خانصاحب متفرگشته خدمت پیشگاری خانصاحب بان مشفق قرار یافته باستماع این خبر جمعیت اثر خیل
 نشاط و دخر می حصول نیوست اگر اینمضی مقرون بعقد باشد مفصل اطلاع بخشند که اخلاص مند بهره اند در خدمت
 گرد و جمعیت قرین و زکار فرخنده آثار باد مکتوب مشتاد و هشتم دیو البصاحب مهربان قدر دان سلامت بعد سلام
 و تنامی گرمی خدمت مشهور و میسر نمیر میگردد صحیفه مهربانی آموود وصول نمود قرین بهجت و نشاط ساخت بنا بر وجه سوم
 خود که ایما فرموده بودند بنده در تغییر است این مرتبه و کیل مع زر قسط بحضور میرسد وجه سوم شریف را علی حده حواله او
 خواهد نمود خدمت گرمی خواهد رسانید مخلصان بسته مهربانی های خود تصور نموده با ایامی خدمت لائقه یاد فرمای باشند
 که تقدیم آن موجب خوشی است دولت و اقبال افزون باد مکتوب مشتاد و نهم دیو البصاحب مهربان

قدره ان سلامت وکیل را برای حصول دخله کبیری فرستاده بودم ظاهر تصدیان کبیری بوجه تحریر داخله نمینویسند
 چون محمول بنده اینست که وجه تحریر در آخر سال سیر در نصیرت امید که بمصدقیان تاکید شود که دخله وکیل را نوشته دهند
 افشاره الله تعالی از تحریر بعد بیاغی زر سرکار رسانیده خواهد شد زیاد چه نوشته آید مکتوب دوم دیوان صاحب
 مهربان قدره ان سلامت بعد سلام شوق ملاقات سامی مشهور ضمیر منیر بنوده می آید مهربانی نامه شکر فرستادن فراریان
 موضع کریم پور که در موضع رحیم پور علاقه بنده استقامت سیدار در رسید موجب نشاط خاطر گردید صاحب من فی الواقع
 فراریان مسطور در موضع مذکور نسی اطلاع بنده استقامت کرده بودند وقتیکه بنده اطلاع شد فراریان علاقه سامی را
 در علاقه خود جای دادن مناسبیده فی الفور بدینود اگر میبود البتہ استعمال نموده بخجرت سامی فرستاد و زیاد چه بخجرت شوق چه
 نویسد مکتوب نود و یکم شمس صاحب مهربان سلامت گویان مقدم موضع دیولی ده علاقه سامی مبلغ پنجاه روپیه از راه
 نامی زمیندار تعلقه بنده بطریق فرض بوجه فصل رسید گرفته بود حالانکه وعده رسید در ادای زر حلیه مینماید چنانچه
 طرفین واحدت مقدم مسطور از خود طلبید تاکید فرمائید که از بد معاملگی دست برداشته زر فرض را موجب قرارداد
 نماید زیاد چه بر طرازد مکتوب نود و دو مزار صاحب مهربان سلامت رعایای موضع گهواره ظاهر نموده
 که آسامیان موضع بانده و به علاقه سامی اراضی پنجاه بگیه از موضع گهواره ترود کاشت کرده بودند و محصول آنرا
 میخواهند که متصرف شوند چون مقدمه فیما بین واحدت لهذا مصدق میشود که آسامیان مرقوم را طلبید شد که در
 زمین مسطور دست انداز نشوند فریندان پنج دهه راجع کرده از روی پنچایت فیصل کرده مند اگر زمین گهواره قرار
 یابد حاصل آنرا بوجوب بند دست ده مالک رسانند و اگر زمین بانده ثابت شود مختار اند انفضال این قضیه طرفین
 زیاد چه نوشته آید مکتوب نود و سوم مزار صاحب مهربان سلامت خط سامی وصول نمود بر حقیقت مند در وجه
 اطلاع دست داد و تقاضای زر قیمت اسپ که نوشته بودند صاحب من بالفعل بر بنده تقاضای زر سرکار بسیار است
 پروانه جات از حضور متواتر میرسند اگر زر در ارسال نمی آید دستک سواران کلاه پوش تعین میشود در نصیرت چند روز دیگر
 توقف باید نمود که زر سرکار ارسال کرده جهت است البتہ بانمهربان خود هم رسانید خاطر شریف جمع فرمائید زیاد چه
 نوشته آید مکتوب نود و چهارم مزار صاحب قدره ان سلامت گرامی نامه وصول نمود منبسط و منشرح گردانید در باب
 فرستادن یک دست تجره ایما شده بود مهربان من سال چهار دست جره خرید کرده بودم یکی از ان محض تا کاره بر آمد
 سه دست در پرواز و رسید گیری خوب بر آمدند از آنجمله یک دست که از همه بهتر بود مطابق ایما می سامی رحیم باز دانموده
 بخجرت خواهد رسانید همیشه از مهربانی رقایم باید فرماد نشاط افزا باشند زیاد چه بر طرازد

کمال این کار بزرگوار
 علی حسن سائین موم
 در مورد این کار
 علی حسن سائین موم
 در مورد این کار



برای سند اینجمنی که نسخه بنده مطبوعه مطبع صدیقی است سطر عنوان لوحش متضمن بوده تاریخ نوشته شد